

نقدی بر ساختار صنعت ایران در اسناد سیاستی

افسانه شفیعی*

چکیده

در این مطالعه با هدف تبیین سیاست‌های تقویت‌کننده تولیدات بخش صنعت ایران، به شناسایی چالش‌های تولید و صادرات این بخش با استفاده از روش فراتحلیلی و در قالب ترکیب نتایج مطالعات پیمایشی و اسنادی - آماری پرداخته شده است. نتایج مطالعات حاکی از آن است که شش چالش اصلی در مسیر ارتقای رقابت‌پذیری تولیدات صنعتی کشور شامل «افزایش ضریب وابستگی وارداتی تولیدات صنعتی»، «کاهش اثر مزیت‌های انرژی و منابع طبیعی بر عملکرد صادراتی صنعتی»، «کاهش اثر مزیت‌های نیروی انسانی بر عملکرد صادراتی صنعتی»، «کاهش اتکای تولید و صادرات صنعتی به تحقیق- و توسعه و نوآوری»، «نقش ضعیف رقابت نوآورانه در برنامه‌های تولید صنعتی» و نتیجتاً «کاهش انگیزه بهینه‌سازی در هزینه‌ها و تنوع‌بخشی و افزایش فشارهای ناشی از کاهش تقاضای موثر بر محصولات صنعتی» وجود دارد. در این راستا جهت‌گیری‌های راهبردی شامل «رفع نقایص ساختار و رقابت در صنایع»، «تحریک تقاضای داخلی و خارجی برای تولیدات صنعتی کشور»، «تجهیز زیرساخت‌های پشتیبان تولید و صادرات صنعتی»، «رفع نقایص بازار عوامل تولید» و «بهبود توان خلق ارزش افزوده در تولید صنعتی» پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: تولید صنعتی، رقابت‌پذیری، وابستگی وارداتی، راهبردهای صنعتی

طبقه‌بندی JEL: L52، L4، L6

*دکترای اقتصاد، گرایش اقتصاد صنعتی، استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

afsanehshafiee@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۳

۱. مقدمه

بخش صنعت با وجود سهم‌بری به ترتیب ۳۳,۵ و ۳۴,۷ درصدی از گاز و برق تنها موفق شده سهمی معادل ۱۴,۶ درصد از تولید ناخالص داخلی و ۶ درصد از مجموع اشتغال نیروی کار را به خود اختصاص دهد؛ ضمناً طی یک دهه اخیر با وجود افزایش سهم از مصرف گاز و برق، سهم آن از تولید ناخالص داخلی کاهش یافته است. همچنین نسبت ارزش افزوده به ارزش ستانده صنعتی کشور ضمن آنکه بسیار پایین و به‌طور متوسط برابر با ۳۳,۹ درصد طی دوره ۹۴-۱۳۷۰ بوده، طی دوره مورد بررسی روند کاهنده‌ای نیز داشته است (از ۰,۳۸ در سال ۱۳۷۰ به ۰,۳۴ در سال ۱۳۹۴).

ارزیابی سهم صنعت از صادرات غیرنفتی به‌عنوان وجه دیگر اهمیت تولید صنعتی در کشور نشانگر عملکرد مناسب‌تر این بخش در مقایسه با سهم آن از تولید ملی است (معادل ۳۳ درصد کل درآمدهای صادراتی کشور). با این حال از منظر شدت اتکا به منابع طبیعی برای تولید صادراتی، درصد پایین پوشش‌دهی درآمدهای حاصله به هزینه‌های واردات صنعتی (در بهترین شرایط معادل ۷۸ درصد در سال ۱۳۹۵) و همچنین رابطه مبادله کوچک‌تر از یک و روند روبه‌کاهش آن (از ۰,۴۳ در سال ۱۳۸۷ به ۰,۲۶ در سال ۱۳۹۶) عملکرد بخش تجارت صنعتی در کشور نیازمند بهبود و برنامه‌ریزی می‌باشد.

نهایتاً نتایج ارزیابی توان رقابت‌پذیری صنعتی ایران در بازارهای جهانی نشان می‌دهد اگرچه توان رقابت‌پذیری بخش صنعت به‌جز در دوران تحریم‌های اقتصادی با بهبود مواجه بوده است، اما به‌لحاظ قدمت بالای تولیدات صنعتی و مزیت‌های منابع طبیعی (بیش از ۱۵۱ میلیارد بشکه ذخایر نفتی قابل استحصال، ۳۳ تریلیون مترمکعب ذخایر گازی، ذخیره قطعی بالغ بر ۵۵ میلیارد تن و تنوع بیش از ۶۴ نوع ماده معدنی سهمی بالغ بر ۱۵ درصد از ذخایر معدنی شناخته شده جهان) تا مل برانگیز است. به‌عنوان نمونه ایران در حالی رتبه چهارم مصرف گاز و رتبه ۱۲ مصرف نفت در جهان را دارد که به‌لحاظ رتبه رقابت‌پذیری صنعتی در جایگاه ۶۶ قرار دارد.

براساس آنچه عنوان شد به خوبی مشخص می‌شود که در بخش صنعتی اشکالات متعددی وجود دارد، لذا در این مطالعه با پرداختن به ساختار تولید صنعتی در کشور و

سابقه الزامات اسناد سیاستی در بخش صنعتی به ارائه جهت‌گیری‌های راهبردی پیشنهادی به تفکیک گروه‌های صنعتی مختلف پرداخته خواهد شد.

۲. نقدی بر الزامات اسناد سیاستی در بخش صنعتی ایران

در ایران با بیش از دو دهه حاکم بودن دیدگاه ساختارگرایی، عملاً تا اوایل دهه ۱۳۸۰ استراتژی مدون و مشخصی در حوزه‌های صنعت و معدن وجود نداشته است. اولین تلاش در ایران در خصوص سیاست‌های صنعتی مربوط به ماده (۱) قانون تمرکز امور صنعت و معدن و تشکیل وزارت صنایع مصوب ۱۳۷۹ بوده است. دیدگاه فکری حاکم بر این استراتژی نئوکلاسیکی و متمرکز بر توسعه صنعتی به صورت افقی بود. سند مذکور در سال ۱۳۸۲ تحت عنوان «مطالعات استراتژی توسعه صنعتی کشور» منتشر گردید (جدول ۱). تلاش دوم در این خصوص انتشار «برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت» در سال ۱۳۹۲ وفق الزامات ماده (۲۱) قانون برنامه چهارم بود که در این خصوص نگاه هدف‌گذاری با تاکید بر مداخله عمودی (مبتنی بر هدف‌های رشد برای صنایع مختلف) مورد توجه قرار گرفت. این برنامه نیز به دلیل ماهیت غیرراهبردی آن عملیاتی نگردید و فارغ از هرگونه رویکرد منسجم توسعه صنعتی صادراتگرا و رقابت-پذیر بوده است. در سال ۱۳۹۴ تلاش دیگری وفق الزامات ماده (۱۵۰) قانون برنامه پنجم انجام شد و براین اساس سندی با عنوان «برنامه راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت» پیگیری گردید. طبیعی است که با توجه به محدود شدن دامنه پوشش این برنامه به وظایف و اختیارات این وزارتخانه در عمل برنامه‌ای جامع‌نگر پیش‌روی فعالان حوزه صنعتی کشور قرار نگرفت. ضمن اینکه در تعیین اولویت‌های صنعتی طیف گسترده‌ای از رشته فعالیت‌های صنعتی انتخاب گردید که عملاً امکان حمایت را محدود می‌ساخت؛ لذا این برنامه نیز قادر نبود تحول قابل توجهی در ساختار صنعتی کشور ایجاد نماید.

جدول ۱. فهرست برنامه‌های راهبردی ناظر بر توسعه بخش صنعتی ایران

سال	عنوان برنامه	سند الزام‌آور قانونی	راهبرد اصلی برنامه تدوین شده
۱۳۸۲	استراتژی توسعه صنعتی	ماده ۱ قانون تمرکز امور صنعت و معدن	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تبدیل «صنعت درونگرای سنتی انحصاری» به «صنعت برونگرای خصوصی رقابتی» با تقویت سازوکار بازار ▪ اجتناب از اولویت‌گذاری میان صنایع ▪ پیگیری برنامه‌های «توسعه صادرات» و «هم‌پیوندی با زنجیره تولید جهانی»
۱۳۸۵	راهبرد توسعه صنعتی کشور	ماده ۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> ▪ بازمهندسی ساختار صنایع از دولت - بازار به سمت بازار- دولت ▪ اولویت‌گذاری صنایع پیشرفته؛ ماشین-آلات و تجهیزات؛ خودرو و نیرومحركه؛ صنایع انرژی‌بر (شیمیایی و پتروشیمی)؛ صنایع تبدیلی کشاورزی؛ تولید مواد معدنی فلزی و غیرفلزی؛ صنایع تبدیلی ذغال کک و پالایشگاه‌های نفت، صنایع مواد غذایی، صنایع نساجی و صنایع چوب، کاغذ و مقوا ▪ تدوین راهکارهای سیاستی توسعه صنایع منتخب در قالب کلی
۱۳۹۲	برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت	ماده ۱۵۰ قانون برنامه پنجم توسعه	<ul style="list-style-type: none"> ▪ اولویت‌گذاری توسعه صادراتی تجهیزات الکترونیکی و الکتریکی، تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی، تجهیزات حمل‌ونقل، محصولات شیمیایی، حامل‌های انرژی، خدمات مهندسی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تجهیزات و محتوای آموزشی و سرگرمی، گردشگری و خدمات بیمه‌ای و مالی ▪ خودکفایی وارداتی در تولید فرآورده‌های غذایی (خوراک دام پروتئین‌یاب، خوراک دام انرژی‌یاب، شکر و سایر قندها)، تجهیزات حمل‌ونقل و فلزات (آلومینا) ▪ پرداختن به زنجیره تامین برخی رشته‌های فعالیتهای صنعتی و تدوین راهکارهای

<p>عملیاتی برای آنها از منظر زنجیره تامین</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ اولویت‌گذاری صنایع منتخب به صورت خودرو، فولاد، نساجی و پوشاک، سیمان، تایر و تیوب، لوازم خانگی، کاشی و سرامیک ▪ هدفگذاری کمی تولیدات رشته فعالیت‌های صنعتی ▪ عدم توجه به آینده رشته فعالیت‌های مورد نظر در تعیین ارقام هدف ▪ تدوین راهکارهای سیاستی توسعه رشته فعالیت‌های صنعتی منتخب در قالب احکام کلی 	<p>برنامه راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت</p> <p>ماده ۱۵۰ قانون برنامه پنجم توسعه</p>	<p>۱۳۹۴</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ ارائه فهرست اولویت‌های صنعتی (با اولویت صنایع معدنی) با رعایت ملاحظات آمایش سرزمینی و تعادل بخشی منطقه‌ای ▪ ارائه فهرست صنایع مشمول برنامه بازسازی و نوسازی (دارای برخی اشتراکات با فهرست اولویت‌های صنعتی) ▪ پیش‌بینی مشوق‌های مالی جهت حمایت از گروهی از رشته فعالیت‌های صنعتی منتخب در این برنامه بدون برخورداری از اسناد رشته‌ای 	<p>برنامه نوسازی و بازسازی صنایع</p> <p>ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه</p>	<p>۱۳۹۶</p>

ماخذ: پژوهش حاضر.

در سال ۱۳۹۶ نیز وفق الزامات قانون برنامه ششم توسعه مبنی بر الزام دولت به تعیین صنایع اولویت‌دار و تدوین برنامه بازسازی و نوسازی صنایع، تلاش جدیدی در سطح وزارت صنعت، معدن و تجارت در حال انجام است که از طریق آن نسبت به انتخاب صنایع اقدام شود. با اینحال، حتی در شرایط تدوین برنامه بازسازی و نوسازی صنایع، همچنان نیاز است تا آسیب‌شناسی عملکرد صنعتی در کشور استخراج شود و راهبردهای سیاستی برحسب گروه‌های مختلف صنعتی ارائه گردد. در توضیح جدول باید عنوان داشت که اشکال عمده اسناد قبلی در رابطه با توسعه صنعتی شامل برش سطحی از آسیب‌شناسی رشته فعالیت‌های و عدم اجماع‌سازی با واحدهای ذی‌مدخل،

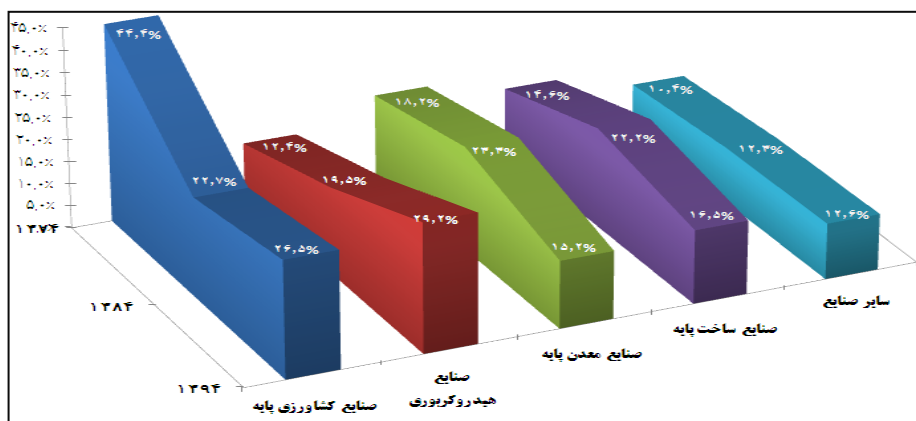
هدفگذاری کمی بدون آینده‌نگاری و عدم برخورداری از سند توسعه رشته‌فعالیتی در تعیین مشوق‌های پیشنهادی بوده است.

۳. تحلیل ساختار تولید صنعتی در ایران

به‌منظور تحلیل ساختار تولید صنعتی، در ادامه از طبقه‌بندی نئوکلاسیک (که برحسب پایه عامل تولیدی صورت می‌گیرد) و طبقه‌بندی بانک مرکزی (که برحسب نوع کاربرد محصولات صنعتی صورت می‌پذیرد) استفاده شده است.

۳-۱. ساختار تولید صنعتی برحسب عامل تولیدی

با طبقه‌بندی تولیدات صنعتی ایران از منظر نوع عامل پایه تولیدی به‌صورت مواد اولیه کشاورزی؛ مواد اولیه معدنی (معادن فلزی و غیرفلزی مشتمل بر ذخایر هیدروکربوری) و سایر عوامل تولید (نیروی انسانی، دانش فنی و تجهیزات فیزیکی) می‌توان تغییرات ترکیب تولیدات صنعتی در کشور را به‌صورت نمودار ۱ ارائه داد.

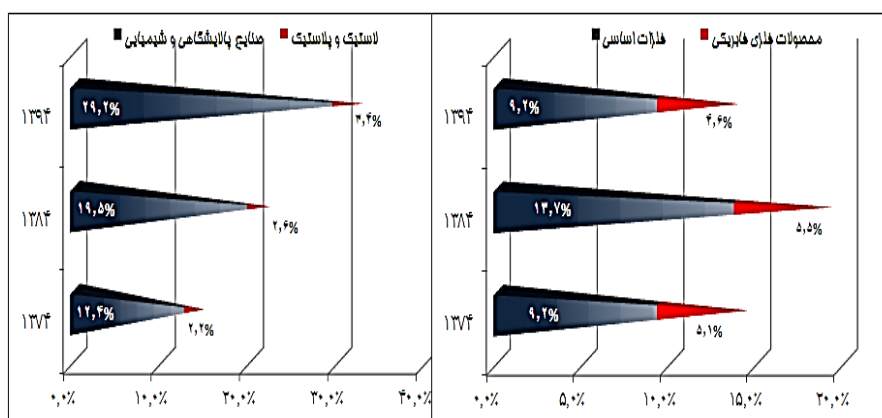


نمودار ۱. تغییر ترکیب گروه‌های مختلف صنعتی برحسب سهم از ارزش افزوده صنعتی (۱۳۷۴، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴) ماخذ: محاسبات پژوهش بر مبنای آمار کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر به بالا، مرکز آمار ایران

طبق نمودار، طی دو دهه منتهی به سال ۱۳۹۴، محور فعالیت‌های صنعتی در اقتصاد ایران از صنایع کشاورزی پایه (مشتمل بر صنایع غذایی و آشامیدنی، نساجی، پوشاک و چرم، محصولات از چوب و کاغذ) به سمت اتکا بر صنایع هیدروکربوری (مشتمل بر صنایع پالایشگاهی و صنایع شیمیایی) تغییر یافته است. طی همین دوره، اگرچه در

سهم صنایع ساخت‌محور (مشمول بر ماشین‌آلات مکانیکی و الکترونیکی، وسایل نقلیه موتوری) و صنایع معدن‌پایه (مشمول بر صنایع فلزی و سایر کانی‌های غیرفلزی) افزایش رخ داد، به‌واسطه فشار تحریم‌های اقتصادی (به ویژه در رابطه با صنایع ساخت‌محور) و رکود اقتصادی حاکم بر اقتصاد (به‌ویژه در رابطه با صنایع معدنی)، این سهم - بری دچار کاهش شد. با این توصیف، با وجودی که حدود ۷ دهه از زمان اجرای برنامه‌های عمرانی و توسعه اقتصادی کشور می‌گذرد و منابع مالی زیادی صرف توسعه رشته‌های فعالیتهای صنعتی ساخت‌محور شده است، این اقتصاد همچنان وابسته به رشته‌های فعالیتهای صنعتی منبع‌محور (فرآیندی) است که در صدر آن صنایع هیدروکربوری قرار دارد. این مساله از دو منظر محل اشکال است:

- در صورت عدم برنامه‌ریزی برای تولید صیانتی، پایداری برنامه‌های توسعه صنعتی با اتکا به این گروه صنایع با چالش مواجه خواهد شد؛
- از آنجاکه توان اشتغال‌زایی در صنایع منبع‌محور پایین است، لذا به سادگی نمی‌توان سازگاری میان اهداف درآمدزایی صادراتی و اشتغال‌زایی برقرار نمود. بررسی آمار عملکرد صنایع پایین‌دستی صنایع پالایشگاهی و شیمیایی که در گام اول در صنایع لاستیک و پلاستیک قابل ردیابی است، همچنین صنایع پایین‌دستی فلزات اساسی که در تولید محصولات فلزی فابریکی قابل تبیین است، حاکی از سهم کوچک و کاهنده این رشته‌های فعالیت‌های صنعتی طی دوره مورد بررسی می‌باشد (نمودار ۲):



نمودار ۲. بررسی مقایسه‌ای سهم صنایع منبع‌محور منتخب و صنایع پایین‌دستی مرتبط: ۱۳۷۴، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۴
 مأخذ: محاسبات پژوهش‌برمبنای آمار کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر به بالا، مرکز آمار ایران

طبق نمودار، به‌ویژه در زمینه صنایع هیدروکربوری که سهم بسیار بزرگی از ارزش-افزوده صنعتی را به خود اختصاص می‌دهند، سهم رشته فعالیت صنعتی پایین دستی مربوطه - لاستیک و پلاستیک - بسیار کوچک (۳,۴ درصد در سال ۱۳۹۴) است. تاثیر مستقیم این امر بر شکل‌گیری صنایع واسطه‌ای وابسته به صنایع ساخت‌محور و تضعیف این گروه از صنایع خواهد بود. در واقع، هر قدر صنایع پایین‌دستی صنایع منبع‌محور توسعه محدودتری یابد، امکان کمتری برای تولید کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع ساخت‌محور از محل تولید داخل وجود خواهد داشت.

۳-۲. ساختار تولید صنعتی برحسب کاربرد گروه‌های کالایی

از منظر ساختار تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی به تفکیک کاربرد گروه‌های کالایی می‌توان سه گروه کالایی مصرفی (کم‌دوام و بادوام)، واسطه‌ای (ساختمانی و غیرساختمانی) و سرمایه‌ای (ماشین‌آلات) را مدنظر قرار داد. در جدول ۲ آمار عملکرد شاخص تولید و تغییرات آن طی دوره ۹۴-۱۳۹۰ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی به تفکیک کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای (۹۴-۱۳۹۰)

گروه کالایی	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴
مصرفی کم‌دوام	۱۰۰	۱۰۲,۶	۱۰۳,۶	۱۰۶,۱	۱۰۷
مصرفی بادوام	۱۰۰	۹۲,۳	۹۱	۹۹,۴	۸۴,۱
واسطه‌ای ساختمانی	۱۰۰	۹۹,۸	۱۰۴,۶	۱۰۶,۴	۹۹,۶
واسطه‌ای غیرساختمانی	۱۰۰	۹۵,۴	۸۵	۹۲,۳	۹۴,۷
سرمایه‌ای (ماشین‌آلات)	۱۰۰	۵۹,۴	۵۱,۶	۶۵,۶	۶۰,۳
شاخص کل	۱۰۰	۹۱,۷	۸۸,۷	۹۴,۷	۹۲

ماخذ: آمار کارگاه‌های صنعتی بزرگ، بانک مرکزی.

طبق آخرین آمار بانک مرکزی در خصوص تحولات تولید در این گروه‌های کالایی می‌توان دریافت که:

- بهترین عملکرد تولید طی دهه ۱۳۹۰ (منتهی به سال ۱۳۹۴)، مربوط به کالاهای مصرفی کم‌دوام (مواد غذایی و آشامیدنی، محصولات شوینده (شیمیایی)) بوده

است که طی آن وضعیت تولید اندکی (معادل ۷ درصد) بهتر از شرایط سال پایه (۱۳۹۰) می‌باشد. یکی از دلایل این امر ماهیت ضروری این کالاها و تاثیرپذیری محدودتر آن به نسبت سایر گروه‌های صنعتی از فشار تحریم‌های اقتصادی و رکود حاکم در دوره مورد بررسی می‌باشد.

- بدترین عملکرد مربوط به کالاهای سرمایه‌ای و سپس کالاهای مصرفی بادوام با به- ترتیب معادل ۳۹,۷ و ۱۵,۹ درصد کاهش تولید بوده است. این دو گروه کالایی تشکیل دهنده کالاهای ساخت‌محور می‌باشد و بدین‌روى زمینه کاهش شدید سهم این گروه کالایی را ایجاد کردند. بخش مهمی از این کاهش در نتیجه قطع همکاری‌های خارجی و کمبود مواد واسطه‌ای و قطعات مورد نیاز این صنایع در شرایط تحریم‌های اقتصادی رخ داد.

جدول ۳. اثر تغییر گروه‌های صنعتی مهم بر شاخص کل تولید طی دوره ۹۶-۱۳۹۵

رشته فعالیت (ماهیت از منظر عامل تولید پایه / نوع کاربرد)	ضریب اهمیت	۱۳۹۵	۱۳۹۶	رشد	سهم از رشد صنعتی	درصد سهم از رشد صنعتی
وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر (ساخت محور/مصرفی بادوام)	۱۶,۳۳	۷۶,۸	۸۶	۱۲	۱,۹۶	۴۳,۱٪
مواد و محصولات شیمیایی (هیدروکربوری/واسطه‌ای)	۲۶,۱۶	۱۱۰,۵	۱۱۵,۴	۴,۴	۱,۱۵	۲۵,۳٪
فلزات اساسی (معدن پایه/واسطه‌ای)	۱۹,۹۸	۸۹,۷	۹۴,۳	۵,۱	۱,۰۲	۲۲,۴٪
مواد غذایی (کشاورزی پایه/مصرفی کم‌دوام)	۷,۴۴	۱۱۷,۸	۱۲۴,۶	۵,۷	۰,۴۲	۹,۳٪
شاخص کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۵,۵	۵,۵	۴,۵۵	۱۰۰٪

ماخذ: نتایج بررسی کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور، بانک مرکزی

طبق جدول ۳، چهار رشته فعالیت مهم صنعتی وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم‌تریلر؛ مواد و محصولات شیمیایی؛ مواد غذایی و فلزات اساسی مجموعاً ۸۳ درصد از تغییرات تولید طی دوره ۹۶-۱۳۹۵ را به خود اختصاص داده‌اند. به‌لحاظ شدت اثرگذاری نیز می‌توان گفت دوره پس از کاهش تحریم‌های اقتصادی نتایج کاملاً معکوس نسبت به دوره تحریم‌ها داده است. به این معنا که بیشترین رشد مربوط به رشته فعالیت ساخت محوری همچون وسایل نقلیه موتوری و کمترین رشد مربوط به مواد غذایی به عنوان

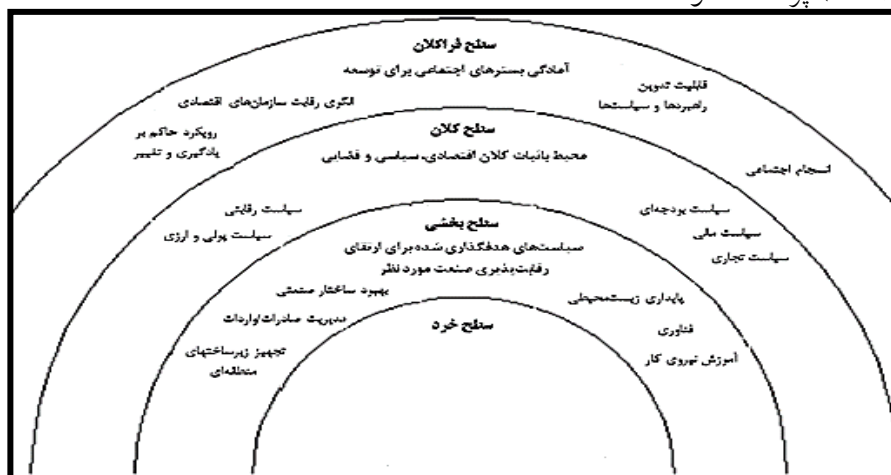
یک کالای مصرفی کم‌دوام می‌باشد. یکی از دلایل این امر کاهش شدید تولید وسایل نقلیه موتوری طی دوره‌های قبل بوده که با رفع مشکلات تحریمی، موفق شده رشد قابل توجهی را نشان دهد. لذا این موضوع لزوماً دال بر تغییر ساختار صنعتی آتی به نفع صنایع ساخت‌محور نخواهد بود.

۴. چالش‌های کلیدی رقابت‌پذیری تولید و صادرات صنعتی در ایران

۴-۱. معرفی الگو

به منظور تعیین عوامل موثر بر رقابت‌پذیری بنگاه‌ها، الگوهای مختلف رقابت‌پذیری در سطوح مختلف خرد، منطقه‌ای و ملی مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت «الگوی نظام‌مند رقابت‌پذیری» انتخاب شد. الگوی پایه‌ای «رقابت‌پذیری نظام‌مند» چارچوب مرجعی را تشکیل می‌دهد که طی آن عوامل تعیین‌کننده رقابت‌پذیری را می‌توان به صورت نمودار ۳ با برقراری تعامل بین چهار سطح خرد، بخشی، کلان و فراکلان مورد ارزیابی قرار داد.

الف. سطح خرد. در این سطح از بررسی، عوامل داخلی تاثیرگذار بر عملکرد در هر دو سطح انفرادی و خوشه‌ای بررسی می‌گردد. در این خصوص ضمن پرداختن به مولفه‌های درونی موثر بر رقابت‌پذیری بنگاه‌ها از هر دو منظر کاهش هزینه‌ها و تنوع‌بخشی محصولی (افقی و عمودی)، به قدرت موقعیت‌یابی آنها در زنجیره ارزش (صنعت) پرداخته شود.



نمودار ۳. سطوح مختلف الگوی رقابت‌پذیری نظام‌مند

Source: Meyer-stamer's systemic competitiveness model (1998)

ب. سطح بخشی: در این سطح به مجموعه قوانین و مقررات/سیاست‌هایی پرداخته می‌شود که به صورت مستقیم در رابطه با صنعت مورد نظر بکار گرفته می‌شود. در واقع از طریق این ابزارهای قانونی/سیاستی محیط خاصی شکل می‌گیرد که در آن مداخلات انتخابی، محرک یا کاتالیزور فعالیت واحدها نه تنها به سمت بخش اولویت‌دار است، بلکه بر کارایی عملکرد درونی ایشان نیز تاثیر می‌گذارد.

ج. سطح کلان. این سطح از بررسی دربرگیرنده تکانه‌های محیط اقتصادی و همچنین چارچوب سیاستی/تنظیمی است که تاثیر آن بر محیط کلان اقتصادی بوده و بالتبع بر صنعت مورد نظر نیز وارد می‌شود. الزامات مورد نیاز شامل چارچوب‌های کلان اقتصادی پایداری است که در عین عدم تحریف قیمت‌ها، شرایط با ثبات ارزی، پولی و بودجه‌ای مناسبی را نیز فراهم آورد.

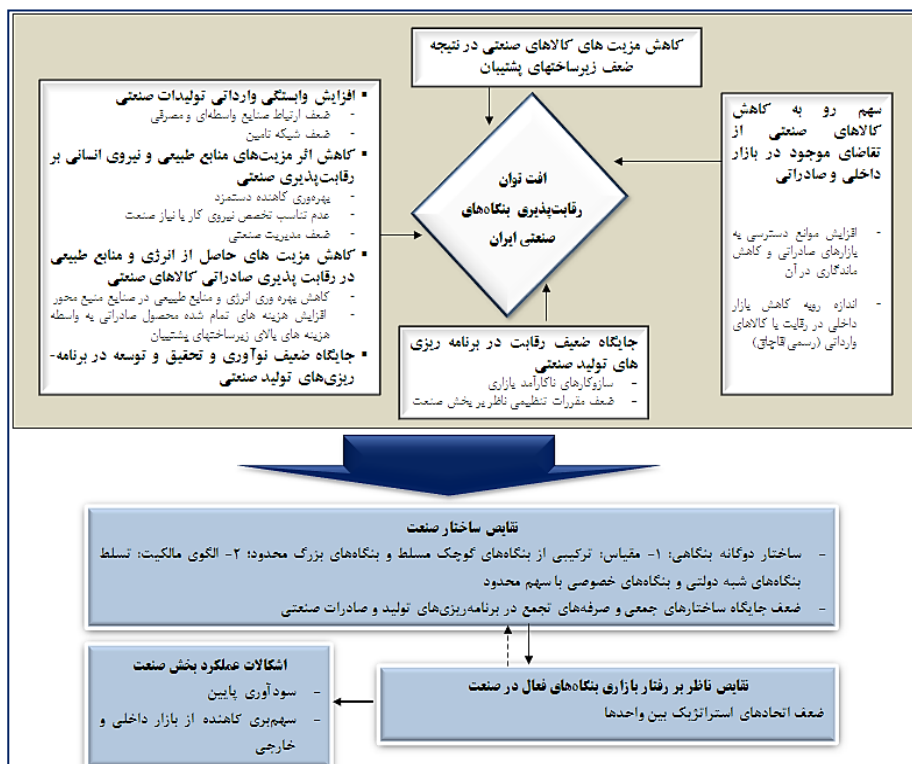
د. سطح فراکلان. این سطح از بررسی که مبین جهت‌گیری توسعه‌ای جامعه است در برگیرنده سه مولفه اصلی است: ۱. توافق اجتماعی در مورد اصول راهنمای بازار و جهت‌گیری بازار جهانی؛ ۲. وجود الگوی تشکیلات قانونی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در عین تقویت بازیگران مربوطه، حامی نوآوری ملی، مزیت‌های رقابتی و رشد است؛ ۳. توانایی و تمایل نسبت به پیاده‌سازی راهبرد میان‌مدت - بلندمدت توسعه صنعتی - فناوری رقابت‌گرا.

۴-۱. نتایج حاصل از به‌کارگیری الگو در آسیب‌شناسی‌های بخش صنعت به منظور انجام آسیب‌شناسی، ضمن بررسی آماری-اسنادی چالش‌های صنعتی، نسبت به انجام مطالعات میدانی و مصاحبه با ۴۶ بنگاه صنعتی اقدام شد. نتایج حاصله در قالب پرسشنامه‌هایی در قالب الگوی رقابت‌پذیری نظام‌مند بازتدوین شد و در جلسات هم‌اندیشی با فعالان حوزه صنعتی/صادراتی، متولیان دولتی و خبرگان امر راستی‌آزمایی گردید. در نهایت، موارد طی ۳ جلسه در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه نتایج چالش‌های شناسایی به تفکیک چالش‌های سطح خرد، بخشی، کلان و فراکلان ارائه شده است.

۴-۱-۱. چالش‌های سطح خرد

خروجی حاصل از مجموعه چالش‌های استخراج شده در بخش چالش‌های سطح خرد به صورت نمودار ۴ قابل تلخیص و نمایش می‌باشد. باید توجه داشت موارد استخراج

شده مبین چالش‌هایی است که در سطح ۱ تاثیرگذاری بر عملکرد ضعیف صنعتی وارد می‌شود.



نمودار ۴. چالش‌های صنعتی کشور (سطح ۱) در سطح خرد برحسب الگوی شرایط پایه، ساختار، رفتار و عملکرد

ماخذ: پژوهش حاضر

طبق نمودار، در بخش عوامل پایه (قسمت بالای نمودار) اشکالاتی به شرح زیر وجود دارد که رقابت‌پذیری صنعتی را به نحو منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد:

- افزایش وارداتی وابستگی تولیدات صنعتی و نتیجتاً افزایش آسیب‌پذیری برنامه‌های تولید و صادرات صنعتی از نوسانات بازارهای جهانی و موضع‌گیری‌های سیاسی
- کاهش اثر مزیت‌های انرژی و منابع طبیعی بر عملکرد صادراتی صنعتی به-

- واسطه فشار هزینه‌های ناشی از بخش لجستیکی و همچنین هدررفت انرژی و منابع طبیعی در فرآیند تولید
- کاهش اثر مزیت‌های نیروی انسانی بر عملکرد صادراتی صنعتی به واسطه پیوند ضعیف نیازهای صنعت و ظرفیت‌سازی‌های سرمایه انسانی صورت گرفته
 - کاهش اتکای تولید و صادرات صنعتی به تحقیق و توسعه و نوآوری در نتیجه افزایش سهم صنایع منبع‌محور در سبد تولید و صادرات صنعتی و در عین حال کاهش شدید سهم ارزش‌افزوده در ارزش‌ستانده
 - نقش ضعیف رقابت نوآورانه در برنامه‌های تولید صنعتی و نتیجتاً کاهش انگیزه بهینه‌سازی در هزینه‌ها و تنوع‌بخشی
 - افزایش فشارهای ناشی از کاهش تقاضای موثر بر محصولات صنعتی به واسطه کوچک شدن بازار داخل به عنوان نقطه اتکای اصلی تولیدکنندگان داخل و همچنین موانع ورود و ماندگاری در بازارهای صادراتی.
- مجموعه موارد برشمرده خود منتج از عوامل ساختاری دیگر می‌باشد که در قالب بندهای (الف) الی (ه) بدان پرداخته شده است.
- الف. افزایش وابستگی وارداتی تولیدات صنعتی. یکی از مهمترین مشکلات قبل از تولید ناظر بر وابستگی وارداتی تولیدات صنعتی است. عوامل ایجادکننده این چالش به شرح جدول ۴ می‌باشد.

جدول ۴. عوامل ایجادکننده وابستگی وارداتی در تولیدات صنعتی

ردیف	مولفه‌های ایجاد وابستگی وارداتی	شاخص‌های توضیح‌دهنده
۱	ضعف توان تولید تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی	۱-۱. سهم پایین هزینه خرید ماشین‌آلات صنعتی داخلی از ارزش‌ستانده (معادل ۲,۹ درصد) ۲-۱. سهم بالای خرید ماشین‌آلات وارداتی از مجموع هزینه‌های ماشین‌آلات در صنعت (معادل ۲۹,۱ درصد)
۲	ضعف صنایع واسطه‌ای در تجهیز شبکه تامین صنعتی	۱-۲. رتبه نامناسب کیفیت و کمیت تامین‌کنندگان داخلی (به ترتیب ۱۰۷ و ۶۶ از ۱۴۴ در ۲۰۱۶) ۲-۲. رشد شاخص قیمت ساخت محصولات صنعتی (متوسط رشد سالانه ۱۷,۳ درصدی در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳)
۳	ضعف صنایع مصرفی در تحرک‌بخشی به صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای	۱-۳. رشد مثبت تولید محصولات مصرفی بی‌دوام در مقایسه با رشد منفی محصولات مصرفی بادوام (رشد +۷ و -۱۵,۹ درصدی در سال ۱۳۹۴ در قیاس با سال ۱۳۹۰)

ماخذ: پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های بانک مرکزی؛ ردیف ۲-۲/ گزارش رقابت‌پذیری جهانی؛ ردیف ۲-۲ / مرکز آمار ایران؛ سایر ردیف‌ها

در تبیین عواملی که منجر به شکل‌گیری مولفه‌های ایجاد وابستگی وارداتی در تولید صنعتی کشور می‌شود می‌توان عوامل زیر را برشمرد:

۱. ضعف توان تولید تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی:

- انتقال ضعیف فناوری‌های صنعتی ذیل قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی. شایان ذکر است طبق گزارش رقابت‌پذیری جهانی (۲۰۱۶) رتبه ۸۴ ایران در زمینه عملکرد شاخص مربوطه ۸۴ از میان ۱۴۴ کشور می‌باشد.
- جایگاه ضعیف تحقیق و توسعه در رشته فعالیت تولید ماشین‌آلات. مطابق داده‌های مرکز آمار ایران سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه از ارزش ستانده در صنایع ماشین-سازی تنها معادل ۰٫۱ می‌باشد که رقم کوچکی است.

۲. ضعف صنایع واسطه‌ای در تجهیز شبکه تامین صنعتی

- عدم توازن زنجیره تامین صنعتی به لحاظ آمایشی و الگوی توزیع سود در هر حلقه. در این ارتباط به‌ویژه در زمینه صنایع شیمیایی و سپس صنایع فلزی شدت عدم توازن زنجیره تامین به عنوان یک چالش اصلی مطرح می‌باشد. تاثیر مستقیم این امر نیز در ضعف صنایع پایین‌دستی صنایع شیمیایی و فلزی (نمودار ۲) قابل ردیابی است.
- دوگانگی در بازار محصولات واسطه‌ای به صورت سهم بزرگ تولیدات با فناوری (ارزش‌افزوده) پایین و سهم کوچک تولیدات واسطه‌ای با فناوری (ارزش‌افزوده) بالا. در نتیجه این امر مازاد تولید محصولات واسطه‌ای با فناوری پایین و همزمان کمبود محصولات واسطه‌ای با فناوری بالا به وجود آمده است.

۳. ضعف صنایع مصرفی در تحرک بخشی به صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای

- طی یک دهه اخیر با وجود افزایش سهم کالاهای واسطه‌ای در تولید صنعتی (از ۶۲ درصد به ۷۴ درصد)، ضریب وابستگی صنایع نهایی به واردات کالاهای واسطه‌ای و به عبارت تسلط رویکرد مونتاژی در صنایع ساخت‌محور افزایش یافته است.
- ب. کاهش اثر مزیت‌های انرژی و منابع طبیعی بر عملکرد صادراتی صنعتی. وجود این مشکل در مرحله پیش از تولید به شرح جدول ۵ به کاهش قدرت رقابتی صنایع منجر شده است.

جدول ۵. عوامل موثر بر کاهش اثر مزیت‌های انرژی و منابع طبیعی

ردیف	عامل موثر بر کاهش اثر مزیت‌های طبیعی	شاخص‌های توضیح‌دهنده
۱	افزایش هزینه‌های صادرات صنعتی به واسطه عملکرد زیرساخت‌های پشتیبان	۱. افت جایگاه ایران در زیرساخت‌های تجاری در آیین‌ها شاخص‌های بین‌المللی (از ۶۷ در سال ۲۰۰۷ به ۷۲ در سال ۲۰۱۶) ۲. سهم ۳۰ تا ۳۵ درصدی هزینه حمل و نقل از قیمت تمام شده مواد خام و ۸-۲۵ درصدی از هزینه حمل کالای نیمه فرآوری شده
۲	کاهش بهره‌وری انرژی در صنعت	۱-۲. افزایش ۱,۷ برابری مصرف انرژی در برابر افزایش ۶۱ درصدی ارزش تولیدات صنعتی در دوره ۹۳-۱۳۸۳ ۲-۲. کاهش ارزش ستانده حقیقی بخش صنعت به ازای مصرف یک بشکه معادل نفت خام از ۱۵۲ هزار ریال در سال ۱۳۸۸ به ۹۸ هزار ریال در سال ۱۳۹۳

ماخذ: پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های شاخص توانمندسازی تجاری؛ سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۱۶؛ ردیف ۱-۱ / موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی؛ ردیف ۱-۲ و مرکز آمار ایران؛ سایر ردیف‌ها

در توضیح عواملی که منجر به کاهش اثر مزیت‌های منابع طبیعی بر رقابت‌پذیری تولید صنعتی کشور می‌شود می‌توان عوامل زیر را برشمرد:

۱- افزایش هزینه‌های صادرات صنعتی ناشی از ضعف زیرساخت‌های پشتیبان:

- ضعف زیرساخت‌های گمرکی: امتیاز پایین شاخص عملکرد لجستیکی ایران (معادل ۲,۳۳ از ۵ در سال ۲۰۱۶)
- سهم پایین شبکه ریلی از حمل بار صنعتی: سهم ۵,۷ درصدی شبکه ریلی از حمل بار در کشور با وجود سهم ۱۵ درصدی بارهای ریل‌پسند و نتیجتاً سهم بالای حمل جاده‌ای حتی در مسیرهای ریل‌پسند: معادل ۹۸ درصد از کالاهای صنعتی؛ معادل ۹۰ درصد از کالاهای کشاورزی و نفتی؛ معادل ۵۳ درصد از کالاهای معدنی و معادل ۹۴ درصد از کالاها
- عدم اتصال ۲۰ مرکز استان، مرز خشکی و بندر مهم به شبکه ریلی و کاهش قابلیت‌های بهره‌مندی از قابلیت‌های حمل و نقل ریلی
- عدم تناسب سهم بخش جاده‌ای از حمل بار داخلی در مقایسه با ظرفیت شبکه جاده‌ای: سهم ۹۴,۳ درصدی بخش جاده از حمل بار داخلی با وجود ظرفیت ۲۱ درصدی شبکه جاده‌ای برای حمل بار با ظرفیت بالا

۲- کاهش بهره‌وری انرژی در صنعت:

- ضعف در نظام قیمت‌گذاری حاکم بر حامل‌های انرژی و انگیزه پایین بهینه‌سازی مصرف انرژی در صنایع
 - بالا بودن سهم ماشین‌آلات فرسوده و غیراستاندارد در خطوط تولید صنعتی
 - سطح بالای ضایعات مواد اولیه در فرآیند تولید صنعتی
- ج. کاهش اثر مزیت‌های نیروی انسانی بر عملکرد صادراتی صنعتی. یکی دیگر از مشکلات قبل از تولید ناظر بر کاهش مزیت‌های نیروی انسانی است. عوامل تاثیرگذار بر این مشکل به شرح جدول ۶ می‌باشند.

جدول ۶. عوامل موثر بر کاهش اثر مزیت‌های نیروی انسانی

شاخص‌های توضیح‌دهنده	عامل اثرگذار بر کاهش اثر مزیت‌های نیروی انسانی	ردیف
۱-۴. کاهش شاخص بهره‌وری نیروی کار به میزان ۷۲ درصد طی دوره ۹۰-۱۳۸۳	شکاف رو به افزایش بهره‌وری نیروی کار صنعتی و دستمزدهای صنعتی	۱
۱-۴. رتبه ۱۱۳ از ۱۳۸ ایران در شاخص تناسب دستمزد و بهره‌وری در سال ۲۰۱۶)		
۱-۲. سهم پایین (۱۴ درصدی) نیروی کار با تحصیلات بالاتر از لیسانس در دوره ۹۳-۱۳۸۳	عدم تناسب تخصص نیروی کار با نیاز صنعت	۲
۲-۲. رتبه نامناسب ایران در آموزش کارکنان: ۱۲۱ از ۱۴۴ در سال ۲۰۱۶		
۳-۲. رتبه بالای کشور در کیفیت نظام آموزشی: ۹۷ از ۱۴۴ در سال ۲۰۱۶		

ماخذ: پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های سازمان ملی بهره‌وری ایران؛ ردیف ۱-۱ / مرکز آمار

ایران؛ ردیف ۱-۲ و گزارش رقابت‌پذیری جهانی؛ سایر ردیف‌ها

در توضیح عواملی که منجر به کاهش اثر مزیت‌های منابع انسانی بر رقابت‌پذیری صنعتی کشور می‌شود می‌توان عوامل زیر را برشمرد:

۱- شکاف رو به افزایش بهره‌وری نیروی کار صنعتی و دستمزدهای صنعتی:

- ازدحام نیروی کار در صنایع بزرگ با مالکیت دولتی و شبه دولتی دارای بهره‌وری پایین
- فرسودگی ماشین‌آلات و تجهیزات

- شکاف توانمندی‌های مدیریت با استانداردهای مدرن بین‌المللی
 - عدم تناسب تخصیص نیروی کار با نیاز صنعت:
 - کیفیت پایین آموزش‌های حرفه‌ای نیروی کار
 - سهم بالا (متوسط ۴۰ درصدی) نیروی کار غیرماهر در صنعت
- د. کاهش اتکای تولید و صادرات صنعتی به تحقیق و توسعه و نوآوری. آخرین مشکل پیش از تولید مربوط به ضعف بخش صنعت در بکارگیری فناوری و تحقیق و توسعه می‌باشد که عوامل تاثیرگذار آن به شرح جدول ۷ می‌باشند.

جدول ۷. عوامل موثر بر کاهش اتکا به تحقیق و توسعه و نوآوری در تولیدات صنعتی

ردیف	عوامل تاثیرگذار بر کاهش اتکا به تحقیق و توسعه و نوآوری	شاخص‌های توضیح‌دهنده
۱	کمبود منابع تخصیص یافته به R&D	۱-۱. رتبه ۸۹ ایران از میان ۱۳۸ کشور در زمینه هزینه های R&D در شرکت‌ها طی سال ۲۰۱۶
۲	انگیزه پایین بنگاه‌های صنعتی برای R&D	۱-۲. متوسط سهم ۰,۲۲ درصدی هزینه های تحقیق و توسعه از ارزش افزوده صنعتی در صنایع ۲-۲. رتبه نامناسب ایران در حمایت از حقوق مالکیت معنوی و نوآوری (به ترتیب معادل ۱۲۶ و ۱۰۸ از ۱۴۴ در سال ۲۰۱۶)

ماخذ: پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران؛ ردیف ۱-۲ و گزارش رقابت‌پذیری جهانی؛ سایر ردیف‌ها

در توضیح عوامل موثر بر کاهش اثر تحقیق و توسعه بر رقابت‌پذیری صنعتی کشور می‌توان عوامل زیر را برشمرد:

- ۱- کمبود منابع تخصیص یافته به R&D:
 - اتکای ۷۰ درصدی هزینه‌های تحقیق و توسعه صنعت به بودجه دولتی
 - اثربخشی ناکافی تامین مالی تحقیق و توسعه کاربردی به علت ضعف نهادهای توسعه‌ای صنعت
 - تخصیص سهم بالای هزینه‌های تحقیق و توسعه به خرید تجهیزات وارداتی
- ۲- انگیزه پایین بنگاه‌های صنعتی برای R&D:

- ضعف حقوق مالکیت معنوی به سبب نقایص چارچوبهای قانونی ناظر بر این امر
 - عدم مواجهه با فشارهای رقابتی به سبب اتکای بالای بنگاه‌ها به بازار داخلی:
- متوسط سهم ۸۹ درصدی واحدهای در بازار داخلی و رتبه ۱۸ اقتصاد ایران از ۱۳۸ در سال ۲۰۱۶ به لحاظ اندازه بازار داخلی
- ماهیت غیرکاربردی تحقیق و توسعه به واسطه همکاری ضعیف صنعت و دانشگاه در زمینه تحقیق و توسعه (رتبه ۱۰۵ از ۱۳۸ در سال ۲۰۱۶)
۵. تاثیرگذاری محدود فشارهای رقابتی بر عملکرد واحدهای صنعتی. مشکلی که در حین تولید صنعتی منجر به کاهش قدرت رقابت‌پذیری تولیدات می‌شود ناظر بر نقش ضعیف رقابت نوآورانه در برنامه‌های تولید صنعتی است. عوامل موثر بر این مشکل به شرح جدول ۸ است.

جدول ۸. عوامل موثر بر نقش ضعیف رقابت نوآورانه برنامه‌های تولید صنعتی

ردیف	عامل موثر بر محدودیت فشارهای رقابتی	شاخص‌های توضیح‌دهنده
۱	نقایص ساختار صنعت	<p>۱. ساختار دو قطبی واحدهای صنعتی:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ سهم غالب بنگاه‌های کوچک بین ۴۹-۱۰ نفر به لحاظ تعداد کارگاه‌های صنعتی (۶۷,۶ درصد) و سهم ناچیز از ارزش-افزوده صنعتی معادل ۸,۷ درصد ▪ سهم ناچیز ۱۹,۳ درصدی بنگاه‌های بزرگ (بالای ۲۵۰ نفر کارکن) از تعداد کارگاه‌های صنعتی و ۸۵ درصدی از ارزش‌افزوده صنعتی <p>۲. سهم ناچیز بخش خصوصی حقیقی از فعالیتهای اقتصادی: حدود ۱۰ درصد</p>
۲	سازوکارهای ناکارآمد بازاری	<p>۱. رتبه ۶۵ ایران از میان ۱۳۷ کشور در زمینه تسلط بازار</p> <p>۲. رتبه ۱۲۵ ایران از میان ۱۳۷ کشور در زمینه شدت رقابت در بازار داخلی</p> <p>۳. کاهش نسبی بازدهی تولید صنعتی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی (کاهش سهم سرمایه و کارفرما از ارزش‌افزوده صنعتی طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ از ۳۶ درصد به ۲۱ درصد)</p>
۳	ضعف مقررات تنظیمی ناظر بر بخش صنعت	<p>۱-۳. رتبه ۱۱,۰۶ درصدی ایران در زمینه کیفیت مقررات تنظیمی (مبنا از ۱۰۰ درصد)</p>

ماخذ: پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران؛ ردیف ۱-۱ / موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی؛

۲-۱ / شاخص حکمرانی جهانی؛ ردیف ۱-۳ و گزارش رقابت‌پذیری جهانی؛ سایر ردیف‌ها

در توضیح عواملی که منجر به کاهش نقش ضعیف رقابت نوآورانه در برنامه‌های تولید صنعتی کشور می‌شود می‌توان عوامل زیر را برشمرد:

۱- نقایص ساختار صنعت

- الگوی مالکیت: الگوی ناکارای واگذاری واحدهای دولتی به بخش غیردولتی در قالب روشهایی همچون عرضه بلوکی، رد دیون و نتیجتاً گسترش سهم بخش عمومی غیردولتی و سهم کوچک بخش خصوصی حقیقی شد.
- مقیاس بنگاهی: سهم مسلط واحدهای کوچک و متوسط در کنار ضعف ساختارهای جمعی. با وجود فعالیت حدود ۳۹۰ خوشه صنعتی، میزان روابط عمودی و افقی ذی‌نفعان خوشه‌ها با یکدیگر کمتر از ۱۵ درصد می‌باشد. به این ترتیب امکان شکل‌گیری صرفه‌های حاصل از تجمع واحدها بسیار محدود است.
- ایفای وظایف تصدی‌گری از طریق سازمان‌های توسعه‌ای بخش صنعت
- سهم پایین سرمایه‌گذاری خارجی به ویژه در صنایع ساخت محور و با فناوری بالا

۲- سازوکارهای ناکارآمد بازاری

- اشکالات ناظر بر ضوابط قیمت‌گذاری در واحدها: اختلال در سازوکار بازار در نتیجه انواع مداخله در قیمت‌های نسبی به صورت قیمت‌گذاری تثبیتی (کالاهای اساسی، حامل‌های انرژی و آب)، تضمینی (محصولات کشاورزی)، تعیین قیمت‌های نسبی در زنجیره تولید (مانند زنجیره ارزش فولاد که در آن اجزای مختلف زنجیره تولید فولاد به صورت درصدی از قیمت شمش فولاد تعیین قیمت می‌شود)، ...
- نقایص بازار بورس کالایی و بروز رویه‌های تجاری غیرمنصفانه و ضعف نهاد رقابتی در مواجهه با رویه‌های صورت گرفته

۳- ضعف مقررات تنظیمی ناظر بر بخش صنعت

- ضعف در حقوق مالکیت معنوی و انگیزه پایین واحدها برای ورود به مرحله نوآوری در برنامه‌های تولیدی و رقابت در بازار
- ضعف در نظام استانداردهای صنعتی و انگیزه پایین در ارتقای استانداردهای تولیدی
- الگوی نامتوازن صدور مجوزهای ورود در رابطه با برخی رشته فعالیت‌های

مواجهه با شرایط انحصار و اشکالات نظام قیمت‌گذاری
 و. کاهش سهم تولیدات صنعتی از اندازه بازار در بازارهای داخلی و خارجی. کاهش
 تقاضای موثر از مهم‌ترین مشکلات پس از تولید است که ناشی از عوامل مندرج در
 جدول ۹ می‌باشد.

جدول ۹. عوامل تاثیرگذار بر کاهش تقاضای موثر برای محصولات صنعتی

ردیف	عامل موثر بر کاهش سهم محصولات صنعتی از تقاضای موجود	شاخص‌های توضیح‌دهنده
۱	اندازه رو به کاهش تقاضای داخلی برای تولیدات صنعتی	۱. سهم کوچک صنایع از بازار داخلی: لوازم خانگی معادل ۲۵ درصد، پوشاک معادل ۲۰ درصد، ابزارآلات کمتر از ۵۰ درصد، ...
۲	موانع دسترسی بنگاه‌ها به بازارهای صادراتی	۲. ۱. تمرکز بالای مقاصد صادراتی کشور: عدد بزرگ شاخص تمرکز تجارت ایران در قیاس با جهان به میزان ۴ برابر رقم متوسط جهانی ۲. ۲. کاهش رابطه مبادله محصولات صنعتی در بازارهای صادراتی (از ۰,۳۵ به ۰,۲۶ طی دوره ۹۶-۱۳۹۰)
۳	ماندگاری پایین تولیدات صنعتی در بازارهای صادراتی	۳. ۱. شاخص ماندگاری صادراتی ایران در بازارهای جهانی معادل ۲,۵ سال و در بازارهای منطقه‌ای معادل ۳,۳ سال طی دوره ۹۶-۱۳۸۳

ماخذ: پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی: ۱-۱ و ۱-۳ / مرکز تجارت جهانی (WTC): ردیف ۱-۲ و سازمان توسعه تجارت: ردیف ۲-۲

در توضیح عواملی که منجر به کاهش سهم تولیدات صنعتی کشور از تقاضای موجود می‌شود، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱- اندازه رو به کاهش تقاضای داخلی برای تولیدات صنعتی

- انطباق ضعیف محصولات تولید داخل با استانداردهای بین‌المللی و کاهش توان رقابت‌پذیری تولیدات ساخت داخل با رقبای خارجی
- فشار ناشی از قاچاق کالا بر تقاضای موجود در بازار

۲- موانع دسترسی بنگاه‌ها به بازارهای صادراتی

- عدم تطابق کیفیت محصولات تولید داخل با استانداردهای بین‌المللی
- نقش محدود ساختارهای جمعی در بازارهای صادراتی
- ضعف بهره‌گیری از ظرفیت قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی برای ورود به بازارهای جهانی و زنجیره‌های ارزش جهانی

۳- ماندگاری پایین تولیدات صنعتی در بازارهای صادراتی

- آسیب‌پذیری بازارهای صادراتی از تحریم‌ها و سیاست‌های تنظیم بازاری دولت (محدودیت‌ها/ممنوعیت‌های صادراتی) بر حفظ بازارهای صادراتی
- تنوع پایین سبد صادراتی و تمرکز بالای مقاصد صادراتی و نتیجتاً کاهش قدرت بازاری صادرکنندگان ایرانی

۴-۱-۲. چالش‌های سطح بخشی، کلان و فراکلان

الف. سطح بخشی. مهم‌ترین اشکالات سطح بخشی که متناظر با نظام قانونی و سیاستی ناظر بر بخش صنعت می‌باشد عبارتند از:

- اشکالات نظام تعرفه‌گذاری که زمینه اتکای بالا به بازار داخل را پدید آورده است.
- نظام مجوزهای صنعتی که در آن ضمن عدم توجه به الزامات حداقلی مقیاس در سطح قابل رقابت در بازارهای جهانی و نقایص رقابتی منتج از آن، منجر به کاهش انگیزه ارتقای بهره‌وری در نتیجه سهم مسلط واحدهای کوچک مقیاس شده است.
- دستورالعمل‌های قیمت‌گذاری کالاهای صنعتی به صورت هزینه - افزوده که تاثیر مستقیم آن بر کاهش انگیزه ارتقای بهره‌وری وارد می‌شود.
- الزامات ناظر بر قانون کار در برابر کارفرمایان صنعتی که در بسیاری موارد با تحمیل هزینه‌های اضافی و موانع پیش‌روی تعدیل نیروی کار، فضای تنگ‌تری برای بهینه‌سازی و ارتقای بهره‌وری ایجاد می‌کند.
- اشکالات مقررات ناظر بر حقوق مالکیت فکری نیز عامل دیگری است که تاثیر مستقیم آن بر انگیزه نوآوری، تحقیق و توسعه وارد می‌شود.
- نظام قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی در خصوص کالاهای صنعتی که به واسطه تعیین قیمت‌های ترجیحی برای بخش صنعت، انگیزه‌های بهینه‌سازی و ارتقای بهره‌وری در این واحدها را کاهش می‌دهد.

ب. سطح کلان. مهمترین اشکالات سطح کلان که متناظر با نظام قانونی و سیاستی ناظر بر فضای کلان اقتصادی می‌باشد، عبارتند از:

- **نقایص نظام ارزشگذاری پول ملی.** با وجودی که طبق قوانین برنامه توسعه، نظام ارزی ایران به صورت شناور مدیریت شده می‌باشد، در بسیاری اوقات وجه «مدیریت شده» نظام ارزی بر «شناور بودن» آن غالب بوده است و بنابراین با ارزشگذاری پول ملی در سطحی بالاتر از قیمت تعادلی اولاً گرایش به سمت

- جایگزینی کالاهای خارجی در سبد مصرفی افزایش یافته است، ثانیاً رفته رفته با به صرفه‌تر شدن تامین قطعات مورد نیاز از طریق واردات به نسبت تامین از داخل، زمینه افزایش ضریب وابستگی وارداتی تولیدات صنعتی نیز فراهم شده است.
- **سیاست‌های پولی و مالی غیرقاعده‌مند.** استفاده از سیاست‌های پولی و مالی به - صورت مصلحتی بدون رعایت قاعده‌مندی ضمن ایجاد فضای بی‌ثبات اقتصادی برای سرمایه‌گذاران و کاهش انگیزه ورود به حوزه‌های تولیدی دیربازده، عمدتاً در شرایط عملکرد انبساطی زمینه‌ساز رشد سطح عمومی قیمت‌ها و در شرایط عملکرد انقباضی زمینه‌ساز افت تقاضا است که اگر زیربنای قاعده‌مندی پشتیبان آن نباشد، حتی ممکن است به شرایط کساد منجر شود. در اقتصاد ایران استفاده از این دو سیاست عمدتاً به صورت غیرقاعده‌مند و مصلحتی بوده و بویژه در رابطه با سیاست‌های پولی از وجه انبساطی آن بهره‌گیری شده است، حال آنکه تولید ملی متناسب با رشد نقدینگی، رشد نداشته است. تاثیر مستقیم این امر نیز بر تورم و هزینه‌های تولید است.
 - **مالیات بر ارزش افزوده و سازوکار اجرای آن.** مالیات بر ارزش افزوده با وجودی که یکی از مصادیق مالیات بر مصرف است، در کشور ایران به یک معضل پیش روی فعالان اقتصادی مبدل شده که بار هزینه‌ای زیادی را به ویژه در شرایط کمبود منابع مالی در واحدها و انجام فروش‌های نسبه به ناچار، بر آنها تحمیل می‌کند.
 - ج. **سطح فراکلان.** مهمترین اشکالات سطح فراکلان که تاثیر آن بر عملکرد تولید صنعتی در اقتصاد ایران وارد شده است، عبارت از موارد زیر است:
 - **تسلط دیپلماسی سیاسی بر دیپلماسی تجاری.** تاثیر این مساله ابتدا بر کاهش تنوع مقاصد صادراتی و افزایش هزینه‌های مبادلاتی بوده است و سپس با کاهش توان رقابت‌پذیری هزینه‌ای و دسترسی به بازارهای صادراتی، اتکای بالاتر به بازار داخل را برای تولیدکنندگان صنعتی به بار آورده است. اشکال دیگر نیز کاهش زمینه‌های جذب سرمایه‌گذاران در صنایع و انتقال فناوری بوده که با ایجاد تاثیر منفی بر ساختار رقابت در بخش صنعت، از فرصت صادراتی شدن نیز کاسته است.
 - **اشکالات فرهنگی.** در این ارتباط، اولین عامل را می‌توان در فرهنگ کسب‌وکاری بخش صنعت مبنی بر گرایش عمومی بنگاه‌ها به رقابت ذره‌ای در برابر رقابت مبتنی بر نوآوری دانست. تاثیر این امر ضمن تشدید چالش نقصان رقابت در

اقتصاد، بر انگیزه‌های تحقیق و توسعه و نوآوری وارد خواهد شد. اشکال فرهنگی دیگر گرایش بنگاه‌ها و حتی مصرف‌کنندگان به جایگزینی کالاهای خارجی با کالاهای ساخت داخل است که البته بخشی از آن در نتیجه نقایص نظام ارزشگذاری پول ملی (نرخ ارز ارزان‌تر از حد تعادلی) و بخش دیگری از آن در نتیجه تفاوت کیفیت تولیدات داخلی و خارجی است.

۵. نتیجه‌گیری و جهت‌گیری سیاستی

جهت‌گیری‌های راهبردی زیر به‌منظور مواجهه و مقابله با چالش‌های پیش‌روی مسیر ارتقای رقابت‌پذیری تولیدات صنعتی کشور پیشنهاد می‌شود:

الف. رفع نقایص ساختار و رقابت در صنایع

- سازماندهی مجوزهای صنعتی از منظر حداقل مقیاس به‌منظور ارتقای زمینه‌های راهبری هزینه‌ای و کیفی در بازارهای جهانی
- تشویق شکل‌گیری ساختارهای دست‌جمعی (خوشه، کنسرسیوم، هلدینگ) به‌منظور افزایش مقیاس ورود بنگاه‌ها به بازارهای صادراتی
- بازنگری در ساختار مدیریتی و مالکیتی صنایع به‌منظور کاهش سهم مدیریت شبه دولتی و غیرتخصصی در بخش صنعت

ب. تحریک تقاضای داخلی و خارجی برای تولیدات صنعتی کشور

- تقویت برند ملی و ارتقای صادرات تحت برند خارجی به‌منظور بهبود رقابت‌پذیری در بازارهای داخلی و خارجی
- تسهیل موانع دسترسی به بازارهای صادراتی به‌منظور رفع اتکای صنایع به بازارهای داخلی
- بهره‌گیری از فرصت حضور سرمایه‌گذاران خارجی در راستای افزایش حضور در زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای
- مبارزه با قاچاق به‌منظور صیانت از رقابت‌پذیری واحدهای صنعتی در بازارهای داخلی
- هدفمندسازی نظام حمایت‌های تعرفه‌ای در حمایت از صنایع داخلی +

ج. تجهیز زیرساخت‌های پشتیبان تولید و صادرات صنعتی

- تجهیز زیرساخت‌های لجستیکی، تجاری، تامین مالی و فناوری پشتیبان تولید و صادرات صنعتی به منظور کاهش هزینه‌های عملیاتی و مبادلاتی صنایع صادراتی
- تامین امنیت دسترسی به زیرساخت‌های آب و انرژی در بخش صنعت به - منظور حفظ پایداری برنامه‌های توسعه صنایع
- د. رفع نقایص بازار عوامل تولید
- تقویت صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای در سازماندهی شبکه تامین صنعتی به - منظور کاهش وابستگی صنایع
- شبکه‌سازی میان تامین‌کنندگان و متقاضیان صنعتی به منظور کاهش هزینه‌های مبادلاتی در رشته فعالیت‌های صنعتی
- ه. بهبود توان خلق ارزش افزوده در تولید صنعتی
- افزایش سهم تحقیق و توسعه و نوآوری در تولیدات صنعتی به منظور افزایش سهم کالاهای با فناوری متوسط و بالا و مقابله با مخاطره جانشین‌ها در بازارهای جهانی
- توازن بخشی به الگوی توسعه صنایع مصرفی با صنایع سرمایه‌ای و واسطه‌ای
- افزایش سهم خدمات متصل به تولید در زنجیره ارزش رشته فعالیت‌های صنعتی.
-

کتاب‌نامه

- بانک مرکزی ج.ا. ایران (۱۳۹۶)، «شاخص قیمت تولیدکننده»
- بانک مرکزی ج.ا. ایران (۱۳۹۶)، «گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی».
- بانک مرکزی ج.ا. ایران (۱۳۹۶)، «نتایج بررسی کارگاه‌های بزرگ صنعتی».
- بانک مرکزی ج.ا. ایران (۱۳۹۶)، «نشریه تحولات اقتصادی».
- سازمان توسعه تجارت (۱۳۹۶)، «گزارش عملکرد سالانه تجارت خارجی».
- سازمان ملی بهره‌وری ایران (۱۳۹۵)، «شاخص‌های بهره‌وری در بخش‌های ۹ گانه اقتصادی».
- شفیعی، افسانه و همکاران (۱۳۹۶)، برنامه راهبردی توسعه صنایع صادراتی و رقابتی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- فاطمی‌امین، رضا (۱۳۹۲)، «برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت»، وزارت صنعت، معدن و تجارت
- معاونت برنامه‌ریزی (۱۳۸۵)، راهبرد توسعه صنعتی کشور، وزارت صنایع و معادن

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، «نتایج آمارگیری نیروی کار».
مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، «نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر».
معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی (۱۳۹۵)، «برنامه راهبردی وزارت صنعت، معدن و تجارت»،
وزارت صنعت، معدن و تجارت
معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی (۱۳۹۶)، «برنامه نوسازی و بازسازی صنایع، وزارت صنعت، معدن
و تجارت»
نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲)، «استراتژی توسعه صنعتی»، وزارت صنایع و معادن.

Meyer-stamer's systemic competitiveness model (1998), "Industrial policy for competitiveness and sustainable development". *Compete and competitiveness, Employment, Technology and Environment*

World Bank (2016-2017) Global Competitiveness Report

World Bank (2016), Worldwide Governance Indicators

Logistics Performance Index Website

World Trade Center Website